



دکتر اسماعیل شهبازی

# تشکلهای بومی روستایی:

## نقشها و کارکردهای دیروز و مسایل و مشکلات امروز

### مقدمه

صدها سال است که جوامع روستایی پراکنده در مناطق مختلف سرزمین پهناور ایران در قالب تشکلهای بومی و به اصطلاح امروزی آن سازمانهای غیردولتی، امور زندگی و اشتغال تولیدی و خدماتی خود را تنظیم و اداره می کنند. این تشکلهای براساس معیارهای فرهنگی و متناسب با شرایط اقتصادی و اجتماعی حاکم در جوامع مربوط، بدون راهنمایی روشنگران شهری و مداخله های عناصر دولتی در زمینه های مشترک و مورد نیاز جمعی مردم در هر روستا و حتی در هر محل از یک روستا، نضج گرفته اند و در طول زمان تحول و تکامل یافته و خود را به امروز رسانده اند.

### صورت مسئله

این تشکلهای از حیث فلسفه وجودی و اصول

اظهار نظر نمود که ناکامی گاه و بی گاه و بعضا بی در پی قوانین و مقررات وضع شده دولتی در طول نیم قرن اخیر در موارد مدیریت روستا، تعاونیهای روستایی، نظامهای بهره برداری و جلب مشارکتهای مردمی برای توسعه و عمران روستایی از جمله پیامدهای محتوم و اصلتاناشی از ناآشنایی «سیاست گذاران و برنامه ریزان به فلسفه وجودی، اصول، هدفها، نقشها و کارکردهای اثربخش همین نهادهای مردمی ناآشناخته» است.

### هدف مقاله

تبیین سرآغازی بر ضرورت انجام پژوهشهای علمی به منظور شناسایی تشکلهای بومی و روستایی و معرفی گزیده هایی از نقشها، کارکردها و آثار و تاثرات وجودی آنها در فرآیند زندگی، اشتغال و اسکان روستائینشان و نیز بررسی امکان اصلاح و انطباق این گونه تشکلهای

و راهکارهای مورد عمل و اجرا برای جامعه بزرگ و به ویژه برای بسیاری از پژوهندگان و دانشوران علوم اجتماعی و اقتصادی تا حدود بسیار زیادی ناآشناخته باقی مانده است. طبیعتا به علت همین ناآشناختگی، آثار و تاثرات وجودی آنها به طور دقیق، ریشه ای و کامل مورد مطالعه و بررسی علمی واقع نشده است. از این رو، نه تنها نقشها و کارکردهای این تشکلهای به طور مستند در قالب ادبیات مدیریت عمران اجتماعی (به عنوان یک نام بومی زیربنای توسعه پایدار) تبیین نشده و به برنامه ریزان و مجریان مربوط معرفی نگردیده است، بلکه از حکمت و اصالت وجودی آنها در فرآیند وضع قوانین و مقررات دولتی درباره و یا در ارتباط با زندگی و اشتغال مردم روستایی نیز بهره برداری متناسبی به عمل نیامده است، تا آنجا که نگاه قوانین و مقررات موضوعه را می توان ناهماهنگ و یا حتی در تقابل با ماهیت اصیل این تشکلهای بومی فرض کرد و بر این اساس

با تحولات اقتصادی و اجتماعی و فن‌آوریهای عصر حاضر، مالا به منظور تقویت بنیان نظام توسعه پایدار در جوامع روستایی، هدف کلی این مقاله می‌باشد.

## روش مطالعه و برداشت

محتوای این مقاله بر مشاهدات، بررسیها و مطالعات چندین ساله نگارنده از یک سوی و برداشتهای تجربی وی در جریان ارتباط با روستائیان و اشتغال در مناطق روستایی از سوی دیگر می‌باشد. بدیهی است که مطالعات کتابخانه‌ای و به ویژه بهره‌برداری زیربنایی از منابع اصلی چون کتابهای فرهنگ یاریگری، «بنه» و «مدیریت روستایی» و معدود آثار پژوهشی و تحلیلی و توصیفی دیگر در زمینه‌های روستاشناسی و دانشهای بومی روستایی در حکم یافته‌های پژوهشی، دستمایه و زیربنای برداشتهای علمی و تجربی نگارنده در تهیه و تدوین این مقاله بوده است.

## شرح و بحث

### نقشها و عملکردهای برخی از تشکلهای

#### بومی

اگرچه «سازمانهای غیردولتی» در ادبیات کلاسیک در جوامع مختلف و به ویژه در جوامع توسعه یافته به طور جامع و مانع تعریف و توصیف شده است و اگرچه برخی از موسسات وابسته به سازمان ملل متحد، تعاریفی متناسب برای این گونه سازمانها ارائه داده‌اند، لیکن آرایه تعریفی جامع و مانع برای این قبیل فعالیت‌های مردمی که در زمره قوانین نانوشته عرفی، ریشه در فرهنگ حاکم در جوامع روستایی ایران دارد، کاری پیچیده و دشوار است. از این رو انجام آن مستلزم بررسی‌های گسترده‌ای می‌باشد.

پیچیدگی و دشواری آرایه این تعریف به این دلیل است که تشکلهای موجود (اعم از سنتی و نوین، بومی و جهان‌شمول) -جملگی از حیث فلسفه، اصول، هدفها و نیز راهکارهای مورد استفاده و در نتیجه آثار و تاثرات وجودی در عرصه عمل و اجرا، در مجموع با هم متفاوت می‌باشند. به این سبب آرایه یک تعریف واحد نمی‌تواند در برگیرنده همه سازمانهای غیردولتی در نظامهای اقتصادی و اجتماعی ایران باشد.

برای مثال هرگاه بتوان تشکل گروههای سبز داوطلب، با هدف حمایت از محیط زیست و راهکارهای آکادمیک و ارشادی آن در خدمت به عامه مردم را به عنوان یک الگوی سازمان غیردولتی تلقی و تعریف نمود، چگونه می‌توان یک تشکل صنفی به اصطلاح تعاونی با هدف حمایت از منافع اقتصادی یک گروه ویژه و راهکارهای سودجویانه را هم در ردیف همین الگو تعریف کرد؟ به همین ترتیب، هرگاه انجمنهای علمی فرهیختگان متخصص در زمینه‌های مختلف علوم و فناوریها، با هدف گسترش دانشهای تخصصی به عنوان تشکلهای

غیردولتی مورد نظر قرار گیرد، چگونه می‌توان آنها را در زمره اتحادیه‌ها و سندیکاهای حرفه‌ای باهدف دفاع صنفی خود، هم‌ردیف تلقی کرد و تعریف نمود؟

افزون بر اینها، در بخش‌های کشاورزی و روستایی، هرگاه نظامهای خود جوش بهره‌برداری از منابع خاک و آب در روستاها را با هدف مدیریت پایدار به عنوان نمادهایی از تشکلهای غیردولتی تلقی نمایم، چگونه می‌توان آنها را با شرکتهای تعاونی روستایی و یا شوراهای ده و دهستان و بخش که بر مبنای قوانین و مقررات مصوب و با نظارت دستگاههای دولتی تشکیل و اداره می‌شوند، مورد مقایسه قرار داد؟

با توجه به مطالب بیان شده، منظور از سازمانهای غیردولتی در این مقاله عبارت است از: تشکلهای خودجوشی که با توجه به شرایط حاکم که در هر جامعه باهدف اساسی تشریک مساعی دست اندرکاران برای تسهیل امور حفاظت، احیا، توسعه و در مجموع، مدیریت بهره‌برداری از منابع موجود بر مبنای قوانین و مقررات عرفی هر محل نضج گرفته‌اند و در طول زمان، متناسب با تحولات جاری، تکامل یافته‌اند.

این گونه نهادها را که با عنایت به تعریف بالا، اکنون می‌توان تشکلهای بومی «اطلاق کرد، اگرچه جملگی از حیث فلسفه و اصول و هدفهای اصالتاً در جهت تسهیل امور مدیریت و بهره‌برداری پی ریزی شده‌اند، اما از حیث نقشها و کارکردها با هم متفاوت هستند. براین اساس آنها را می‌توان در زمینه‌های زیر دسته بندی کرد:

الف تشکلهای روستایی در زمینه مدیریت نیروی انسانی برای تولید ب تشکلهای روستایی در زمینه بهره‌برداری از منابع تولید ج تشکلهای روستایی در زمینه خدمات تولید

د تشکلهای روستایی در زمینه مدیریت خدمات عمومی

بر مبنای این دسته بندی، اینک می‌توان به توصیف اجمالی هر یک از زمینه‌های بالا پرداخت.

## الف تشکلهای روستایی در زمینه مدیریت نیروی انسانی برای تولید

زمین بستر طبیعی و آب لازمه تولید برنامه ریزی شده در نظام متداول کشاورزی در روستاهای ایران است. اما با توجه به محدودیت این دو منبع نسبت به همدیگر، مدیریت امور خاک و آب شرط تأمین بهره‌برداری بهینه از این منابع کمیاب است.

ضرورت این مدیریت در طول زمان انگیزه پیدایش و تکامل نظامهای بهره‌برداری متعددی در شرایط گوناگون طبیعی و اجتماعی در روستاهای ایران شده است که از نظام «بنه بندی» به عنوان برگزیده‌ترین آنها می‌توان نام برد. در این تشکل بومی هر یک و یا هر چند نفر

از کل اعضای هم بنه در قالب یک سازماندهی تعریف شده، متصدی و مسئول اداره یکی از امور: (آب و آبیاری، خاک و خاک‌ورزی، عملیات زراعی، عملیات باغبانی، عملیات دامداری، حمل و نقل و بازاریابی، مدیریت مجموعه عملیات و ارتباطات) می‌باشند.

بدیهی است که هر یک از اعضا، مضاف بر مسئولیت اصلی خود، عهده دار همکاری در انجام وظایف محوله در سایر امور نیز می‌باشد. ضمن این که شخص «سر بنه» مسئولیت ایجاد هماهنگی بین متصدیان و مسئولان این امور با یکدیگر و نیز اداره روابط نظام بنه را با خارج از آن نظام برعهده دارد.

نظام بنه بندی از

میرانهای ارزشمند کشاورزی سنتی و بومی در خیلی از مناطق، به ویژه در مناطق کم‌آب و بیابانی ایران است. (برای آگاهی از کم و کیف این نظام در مناطق مختلف ایران می‌توان به کتاب بنه مراجعه کرد.) اما در عصر حاضر، تشکیل گروههای «همیار»، گروههای کشت یکپارچه، گروههای «هم‌چاه» و گروههای «هم برکه» و نیز گروههای بومی و مهاجر «سه‌م بر» از جمله تشکلهایی هستند که به منظور تشریک مساعی سازمان یافته نیروی انسانی برای بهره‌برداری از منابع آب و خاک، مطابق

شرایط موجود در هر یک از مناطق روستایی، تدریجاً به وجود آمده و اینک نیز به عنوان تشکلهای بومی توسط روستائیان اداره می‌شوند.

## ب تشکلهای روستایی در زمینه بهره‌برداری از منابع تولید

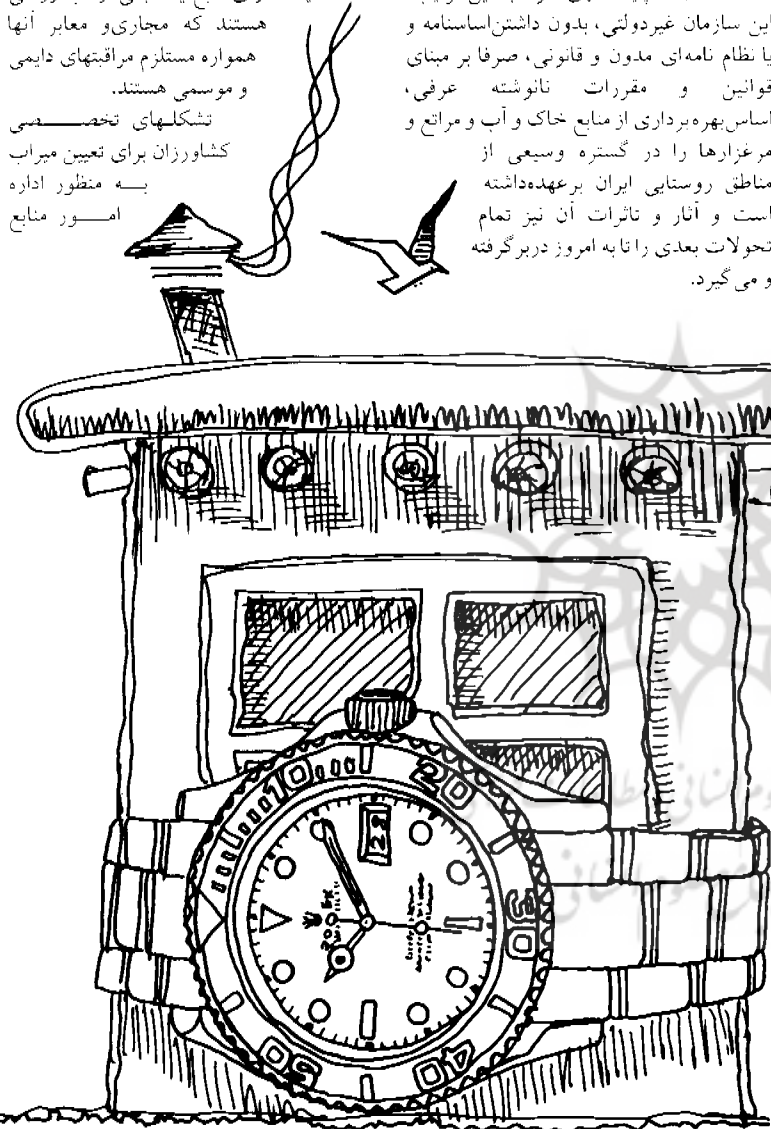
این قبیل تشکلهای نیز عمدتاً بر استفاده پایدار از منابع آب و بعضاً از مرتع و چراگاههای عمومی متمرکز هستند. هرگاه تمام اراضی زراعی یک روستا (اعم از آبی و دیم) را در یک منطقه فرض کنیم که بنا باشد برای کشت و کار و بهره‌برداری در اختیار مثلاً ۲۰ خانوار کشاورز قرار گیرد، در ابتدای امر چند مسئله اصلی در جریان توزیع این منابع وجود دارد. از جمله این که تمام قسمتهای یک قطعه زمین مورد نظر برای توزیع در بین ۲۰ خانوار از حیث توپوگرافی، آبی و دیم بودن، حاصلخیزی، دور و نزدیکی به سرچشمه یا نهر آب، دور و نزدیکی به مرکز روستا و جاده‌های اصلی و فرعی، دسترسی و حتی برخورداری از شیب جهت جنوب برای استفاده از تابش بیشتر نور خورشید، یا هم یکسان نیستند. پس، اگر قرار باشد که تمام ۲۰ خانوار به طور عادلانه از

اگرچه سازمانهای غیردولتی در ادبیات کلاسیک در جوامع مختلف و به ویژه در جوامع توسعه یافته به طور جامع و مانع تعریف و توصیف شده است و اگرچه برخی از موسسات وابسته به سازمان ملل متحد، تعاریفی متناسب برای این گونه سازمانها ارائه داده‌اند، لیکن آرایه تعریفی جامع و مانع برای این قبیل فعالیت‌های مردمی که در زمره قوانین نانوشته عرفی، ریشه در فرهنگ حاکم در جوامع روستایی ایران دارد، کاری پیچیده و دشوار است.

## ج) تشکلهای روستایی در زمینه خدمات تولید

کار تولید در روستا یک نظام یکپارچه و در هم تنیده است. حتی در موارد نادری که یک فرد کشاورز در مزرعه شخصی و با استفاده از منبع آب خصوصی خود هم به کشت و کار و پرورش دام اشتغال دارد، به هیچ وجه نمی تواند فارغ از نظامهای متشکل مدیریت خدمات تولید و خدمات عمومی روستا، به کار خود ادامه دهد. در حالتهای عمومی، بلوکهای زراعی روستا هر یک دارای منبع یا منابعی از آب زراعی هستند که مجاری و معابر آنها همواره مستلزم مراقبتهای دایمی و موسمی هستند.

تشکلهای تخصصی کشاورزان برای تعیین میراب به منظور اداره امور منابع



آب و آبمالها» برای توزیع و آبرسانی به مزارع، حسب مدارهای متداول آبیاری برای هر نوع کشت، نظام دشت بانی» و «خرمن یابی» برای مراقبت دایمی از سبزه محصولات در مزارع و محصولات درو شده در «خرمن جا»، نظام همیاری در کشت و کار و درو و جمع آوری محصول در اوج برداشت، از جمله سازماندهی هایی است که در قالب این تشکلهای، توسط کلیه بهره برداران ایجاد و به دست متصدیان منصوب آنان اداره می شود. نمونه ای از همین تشکلهای تخصصی، کار

بهره برداران مربوط شده است (۲).

هدف این تشکیل، مبتنی بر ایجاد هماهنگی در بین اعضای آن به منظور بهره برداری عادلانه از منابع موجود بوده است. کمالین که در دوران قبل از اصلاحات ارضی هم هر زمان که افکار عمومی ضرورت تجدیدنظر در این نظام تقسیم بندی را احساس می کرد، طبق توافق و برحسب قرعه، قطعات ارضی کشاورزان صاحب نسق با همدیگر عوض می شد و یا با تغییر کمیت زمین و حقایق، سعی می شد که توزیع این منابع حتی المقدور به طور عادلانه، مجددا پایه گذاری شود. به این ترتیب، این سازمان غیر دولتی، بدون داشتن اساسنامه و یا نظام نامه ای مدون و قانونی، صرفاً بر مبنای قوانین و مقررات نانوشته عرفی، اساس بهره برداری از منابع خاک و آب و مراتع و مرغزارها را در گستره وسیعی از مناطق روستایی ایران برعهده داشته است و آثار و تاثرات آن نیز تمام تحولات بعدی را تا به امروز دربر گرفته و می گیرد.

این منابع بهره مند شوند، لازم است که تمام سطح ارضی زراعی روستا را برحسب وجود یا عدم هشت عامل مذکور فراموش نشود که افزون بر استطاعت مالی رئیس خانوار، توان فیزیکی هر خانوار کشاورز برای انجام عملیات کاشت و داشت و برداشت مستقیماً بستگی به تعداد نیروی انسانی آماده به کار در خانوار و نیز قدرت تعداد گاوهای نری دارد که قرار است عملیات زراعی شخم و خاک ورزی و برداشت و خرمن کوبی را انجام دهد.

به این ترتیب، مشاهده می شود که زمین زراعی محدوده روستای مفروض به ۱۶ بلوک زراعی (برحسب کیفیت) تقسیم می شود و به هر یک از ۲۰ خانوار کشاورزان داوطلب و مستعد کار کشاورزی به نسبت استطاعت مالی، توان فیزیکی و قدرت تعداد گاوهای کار خود، یک واحد، نیم واحد، ربع واحد و یا اجزایی از آن زمین و حقایق مربوط برای بهره برداری پایدار واگذار می گردد. براین اساس، یک تشکل بهره برداری از منابع خاک و آب به توسط ۲۰ خانوار در یک شبکه گسترده ۳۲۰ قطعه ای کوچک و در هم تنیده به وجود می آید. اینک مشترکات اعضای این تشکل، عبارت است از ضرورت غیر قابل اجتناب هماهنگی در تناوب زراعی، کشت و آیش قطعات ارضی، حقوق ارتفاقی، کشت علفه و مسئله رفت و آمد دامها برای چرا در قطعات کوچک و در قطعات برداشت شده از محصول، ایجاد خرمن و از همه مهمتر، هماهنگی برای تعیین مدل آبیاری در قطعات کشت شده و تعویض این مدار برحسب تناوب زراعی متعارف در هر محل، که در مجموعه براساس قوانین و مقررات عرفی، اعضای مرد و زن و کودکان این ۲۰ خانوار را به هم پیوند می دهد.

این تشکل بومی، نظام نسق بندی نجفت گاو زمین است که اساس بهره برداری از زمین، آب، مراتع و مرغزاری طبیعی در هر روستا در خیلی از مناطق روستایی را تشکیل می داده است همین نظام نیز در جریان اصلاحات ارضی سالهای چهل مبنای واگذاری ارضی به صاحب نقهای مربوط و مالیات آنان بر قطعات ارضی مورد کشت و کارشان شد. لازم به ذکر است که در سالهای اخیر، همین نظام هم منای اقدامات پیشرفته تری در زمینه یکپارچه سازی ارضی مورد کشت و کار هر کشاورز، کشت جمعی گروههای همیار و یا کشت یکپارچه و نیز حفرچاه عمیق را در محدوده هر بلوک زراعی برای تمام

در کارهای نظامهای خدمات عمومی روستا، تنها کشاورزان صاحب زمین، اجازت دارند اسم و نام بردن و دامداران مهم در روستا مشارکت دارند. بلکه سایر روستائیان نیز که حتی به طور غیر مستقیم نیز در کارهای کشاورزی دست اندرکار هستند، هم مشارکت می نمایند. ایجاد بازار و امرهای روستایی مانند: مسجد، حمام، آب انبار، کشتارگاه، غسالخانه و روشن روستا از جمله این گونه خدمات عمومی می باشد. حتی که به ایجاد درمانگاه، مدرسه و شبکه های آب و برق و تلن و گمشویی آنها نیز از جمله خدماتی هستند که همواره مستلزم تلاش یکپارچه برای بهره برداری از آنهاست.



بهره برداری مشترک از مرغزارها و مراتع داخل حریم روستابه توسط چوپان عمومی روستا را نیز برعهده دارند و سازماندهی مشابهی نیز کار جمع آوری شیر و برقراری نظام شیرواره» رابه منظور تولید لبنیات عهده دار می باشد. همین گونه نظامهای بومی نیز در حال حاضر، دربرخی از مناطق روستایی، عهده دار عقد قراردادهای مشارکتی با دستگاههای اجرایی ذیربط جهت تسطیح اراضی، احداث راههای دسترسی بین مزارع و ایجاد انبار پوشش دار از منابع آب و مزارع کشاورزان می باشند.

این تشکلهای بومی، وبه عبارتی سازمانهای غیردولتی طی سالیان متمادی در مناطق روستایی سرزمین پهناور ایران، با توجه به شرایط وامکانات موجود و براساس هماهنگی و همکاریهای عرفی، این قبیل خدمات تسهیلاتی در فرایند تولید محصولات زراعی و باغی و دامی را فراهم کرده و می کنند. هزینه مربوط را نیز برحسب نسق، جفت گاو، مساحت اراضی و تعداد دام و غیره از بهره برداران از امکانات ونوآوریهای متناسبی نیز برخوردار شده باشند، نظام یا نظامهای متعارف و سنتی خود را اصلاح، تعدیل و یا مورد تجدیدنظر قرار داده و حتی الامکان با راه و روشهای نوین دمساز کرده و می کنند.

همه اینها در شرایطی است کسه کمترین پژوهشهای علمی به منظور شناسایی این نظامهای تشکیلاتی و تبیین آثار و تاثرات اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی آنها توسط پژوهندگان مربوط تحقق یافته وبه همین دلیل هم هیچ یک از این تشکلهای بومی از حیث حمایت و تقویت، موردتأیید هیچ یک از نهادهای دولتی مرتبط با توسعه روستایی قرار نگرفته اند.

## د تشکلهای روستایی در زمینه مدیریت خدمات عمومی

روستامحل اقامت، اسکان و اشتغال جمعی از مردم است. روستا یک واحد زنده و یک جامعه کوچکولی تولیدی و فعال است. این جامعه، به مثابه هر جامعه کوچک و بزرگ غیرروستایی، از حیث انتظامات، محیط زیست، بهداشت عمومی و سایر خدمات اصلی و جنبی اقامت و اسکان و اشتغال نیازمندیهای دارد. برخلاف شهرها که همه این نیازمندیهای به کمک دستگاههای دولتی و یا وابسته به دولت عمدتاً با استفاده از اعتبارات منابع دولتی

تامین می شود. در روستاها انجام این مهمات توسط تشکلهای بومی و با استفاده از اعتبارات منابع مردمی تحقق می یابد.

نظام دهداری هسته این تشکلهای، و کدخدایا دهبان رهبری این سازمان غیردولتی را برعهده دارد. اگرچه امروزه مقرر است که شورای اسلامی روستا جایگزین هسته مذکور و شخص منتخب آنان یعنی دهبان «مجری مصوبات» آن شورا گردد، لیکن تا تحقق تدریجی آن روز آرمانی، آنها بدون دخالت دستگاههای دولتی می باید سالها به انتظار نشست. از آنجا که تا نایل به آن روز آرمانی، زندگی روستائیشان ادامه دارد، پس به ناچار مردم روستایی بر مبنای همان قوانین و مقررات نانوشته و عرفی خود، امور مربوط را از طریق تشکلهای بومی موجود به انجام می رسانند. اگرچه به لحاظ مقررات اداری، وجود این تشکلهای بومی موردتأیید نمی باشند.

در برقراری نظامهای خدمات عمومی روستا، نه تنها کشاورزان صاحب زمین، اجاره دار، سهم بر، دامپروران و دامداران مقیم هر روستا مشارکت دارند، بلکه سایر روستائیشانی که حتی به طور غیر مستقیم نیز در کارهای کشاورزی دست اندرکار نیستند، هم مشارکت می نمایند.

ایجاد و اداره امور تاسیساتی مانند: مسجد، حمام، آب انبار، کشتارگاه، غسالخانه و قبرستان روستا از جمله این گونه خدمات عمومی می باشند. کمک به ایجاد درمانگاه، مدرسه و شبکه های آب و برق و تلفن و گسترش آنها نیز از جمله خدماتی هستند که همواره مستلزم تلاشی پیگیرانه برای برخورداری از آنهاست. افزون بر اینها، در گذشته و بویژه امروزه، جمع آوری و دفن یا تبدیل زباله ها و ضایعات مختلف از جمله عوامل محل بهداشت عمومی در روستاها بوده و می باشد.

با این وصف ملاحظه می شود که وجود یک هسته مدیریتی کارساز و کارا برای اداره این قبیل امور تحت نظارت شورا، انجمن و یا معتمدان و ریش سفیدان روستا و به رهبری و سرپرستی کدخدا، دهبان، دهدار و یادهار، ضروری است. این هسته اصلی یا هسته های وابسته به آن و یا هسته های مستقل دیگر در هر زمینه، خادم مسجد، حمامی، سلمانی و دیگر خدمه روستا را برمی گردیند و ترتیب پرداخت حقوق سالیانه آنان را توسط تمام ساکنین روستا به نسبت تعداد اعضای هر خانوار و یا معیارهای متناسب دیگر برقرار

می سازند.

موارد بالا، نمونه های دیگر از تشکلهای بومی، در زمره سازمانهای غیردولتی، در مناطق روستایی است که عهده دار تمشیت و تنظیم امور عمومی در محدوده روستای خود هستند.

xxx

آنچه به اجمال پیرامون تشکلهای بومی «در زمینه های مدیریت نیروی انسانی، بهره برداری از منابع، خدمات تولید و خدمات عمومی ذکر شد، در واقع فهرستی ساده و خام از سرفصل نقشها و کارکردهای اصیل آنها بدون پرداختن به ویژگیها و پیچیدگیهای مربوط در هر زمینه و در هر یک از شرایط اقتصادی و اجتماعی و تحت خرده فرهنگهای حاکم در هر یک از مناطق روستایی بود.

تحولات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی سالهای اخیر، به ویژه بعد از اصلاحات ارضی سال ۴۱، بتدریج دگرگونیهایی بی شماری در نقشها و کارکردهای این تشکلهای بومی به وجود آورده است. حال آن که ماهیت فلسفه و اصول و اهداف وجودی آنها اگر چه همچنان برای متقدمان جامعه روستایی حفظ شده است، لیکن به دلیل وجود شکاف فرهنگی روزافزون بین نسلهای مقدم و موخر در دنیای امروز و حتی در جوامع روستایی و نتیجتاً به علت عدم آگاهی علمی و عمیق نسلهای جوان از ماهیت این نظامها، بتدریج می رود که این نهادهای مردمی و بایگانه های تشکیلاتی آنها در سینه متقدمان جامعه همچنان مکتوم باقی بماند و به تدریج به تاریخ نظام کهن روستائیشینی بپیوندد. متأسفانه این در شرایطی است که در هر یک از جوامعی که به هر علت این تشکلهای بومی به بوته فراموشی سپرده شده اند، هیچ نهاد مردمی و یا ارگان دولتی دیگر جایگزین آنها نشده است. در خیلی از مناطق مایه سقوط این خرده تمدنهای بومی شده و نتیجتاً تخلیه روستاها را یکی پس از دیگری در پی داشته است.

همه موارد فوق، افزون بر علل و عوامل متعددی که در سالهای اخیر در بی عنایتی به بخش روستایی روا شده است تا حدود زیادی هم ناشی از سقوط بلاتکلیفی و بی توجهی های مفرط به تشکلهای بومی در روستاها بوده و می باشد. به همین دلیل فهرستی از مسایل و مشکلات امروزی این تشکلهای دپروزی برشمرده می شود.

## مسایل و مشکلات امروزی تشکلهای بومی

هرچیزی حرکت، مثل ماشین و آب راکد، در معرض زنگ زدگی و فساد قرار می گیرد. یک تشکل انسانی ایستا هم مستثنی از این کلیت نیست. گردش ماشین مستلزم سوخت رسانی به آن و روغن کاری و روان سازی و در مجموع مراقبت و نگهداری از آن برای تداوم حرکت است. گردش آب مستلزم جریان مداوم آن از سطحی به سطح دیگر است. بویایی تشکلهای انسانی نیز مستلزم حرکت از نقطه ای در یک

بی الثقاتی  
پژوهندگان و  
دانشوران علوم  
اجتماعی و اقتصادی  
به نهادهای سنتی و  
نیز بی اعتنایی  
سیاستگذاران و  
برنامه ریزان  
برنامه های توسعه و  
عمران اجتماعی به  
تشکلهای بومی،  
دست در دست  
عوامل کم و بیش مهم  
دیگر، در مجموع  
سبب ایستایی و رکود  
تدریجی نظامهای  
دیرپای مدیریت  
سنتی متعارف  
در جوامع روستایی  
شده اند.

۴۳

جهاد

جهت و رسیدن به یک نقطه و سپس به نقطه‌های متعدد دیگر در همان راستا، در یک مسیر از پیش تعیین و سنجیده شده است.

این بویابی به طور قطع مشروط به توجه راهبران روشنگر به پویندگان نوپا و یا حتی دیرپا (روستاییان)، ولی مستعد برای پذیرش نوآوریهای مناسب است. در حالیکه بی توجهی نخبگان و راهبران روشنگر به پویندگان

بومی و سنتی بتدریج از یک سو، موجب تعمیق شکاف فرهنگی بین نخبگان روشنگر با پویندگان سنت گرا و از سوی دیگر، موجب هجوم نوآوریهای نامتناسب و غلبه آنها بر میراثهای فرهنگی متناسب جامعه می شود.

بی‌التفاتی پژوهندگان و دانشوران علوم اجتماعی و اقتصادی به نهادهای سنتی و نیز بی‌اعتنایی سیاستگذاران و برنامه ریزان برنامه‌های توسعه و عمران اجتماعی به تشکلهای بومی، دست در دست عوامل کم و بیش مهم دیگر، در مجموع سبب ایستایی و رکود تدریجی نظامهای دیرپای مدیریت سنتی متعارف در جوامع روستایی شده‌اند. همان گونه که اشاره شد، حذف و یا تحلیل آنچه که وجود داشت و عدم جایگزینی یک معوض متناسب به جای آنها، خلایبی را در جوامع روستایی آفریده است که آثار شوم آن ویرانی روز به روز روستاها، افزایش دم به دم مهاجرتها از روستا به شهرها و نتیجتاً، تخلیه روستاها و به تعطیل کشیدن شده واحدهای تولیدی در آنها را به دنبال داشته و دارد.

و در این بخش سعی بر این است تا برخی از عمده‌ترین مسایل و مشکلات امروزی تشکلهای بومی روستایی در زمینه‌های مدیریت نیروی انسانی، بهره برداری از منابع، خدمات تولید و مدیریت خدمات عمومی بر شمرده شوند تا به دنبال آنها نتایج و پیشنهادهای لازم ارایه شوند.

## الف مسایل و مشکلات موجود در ارتباط با زمینه مدیریت نیروی انسانی برای تولید

در جریان اصلاحات ارضی سالهای چهل و در سرآغاز تشکیل شرکتهای تعاونی روستایی و اعلام ضرورت عضویت کشاورزان صاحب نسق در این تعاونیها به عنوان شرطی برای مالک شدن اراضی مورد کشت و کار خود، موضوع فلسفه وجودی و انگیزه‌های عضویت اعضای تشکیل دهنده یک نظام بنه، حراثة و یا نظام نسق بندی جفت گاو زمین و غیره، هیچ یک به عنوان الگوی «حی و حاضر» یک شکل سنتی تعاونی، به هیچ ترتیبی مورد ملاحظه و مدافه سیاستگذاران، برنامه ریزان و مجریان مربوط قرار نگرفت. بلکه حسب موازین نظام وارداتی «تعاونی»، و وفق قانون تجارت،

**در جریان اصلاحات ارضی سال‌های چهل و تحولات بعدی آن تا دهه ۱۳۵۰ و در همین بادی امر، ناکامی شرکتهای تعاونی روستایی و منابع اعتباری مربوط برای اعطای کمکهای مالی و جنسی به کشاورزان تازه مالک شده، به جانشینی بزرگ مالکان پیشین که در نقش منابع اعتباری مالی و جنسی در رابطه با رعایای خود عمل می‌کردند، خیلی زودتر از فرصت مورد انتظار تلاش کشاورزان تهیدست برای کسب وامهای ضروری جهت کشت و کار مزرعه، آنان را وامدار دکانداران و پيله وران و رباخواران منطقه خود کرد تا آنجا که عده زیادی از آنها با تنظیم فروش نامه های صوری، مجبور به فروش و یا واگذاری نسق مورد تملک خویش به طلبکاران و یا دیگر داوطلبان خرید ارضی نسقی کشاورزان شدند.**

شتاب بیشتری بخشیدند.

## ب مسایل و مشکلات موجود در ارتباط با زمینه بهره‌برداری از منابع تولید

در جریان اصلاحات ارضی سال‌های چهل و تحولات بعدی آن تا دهه ۱۳۵۰ و در همین بادی امر، ناکامی شرکتهای تعاونی روستایی و منابع اعتباری مربوط برای اعطای کمکهای مالی و جنسی به کشاورزان تازه مالک شده، به جانشینی بزرگ مالکان پیشین که در نقش منابع اعتباری مالی و جنسی در رابطه با رعایای خود عمل می‌کردند، خیلی زودتر از فرصت مورد انتظار، تلاش کشاورزان تهیدست برای کسب وامهای ضروری جهت کشت و کار مزرعه، آنان را وامدار دکانداران و پيله وران و رباخواران منطقه خود کرد تا آنجا که عده زیادی از آنها با تنظیم فروش نامه های صوری، مجبور به فروش و یا واگذاری نسق مورد تملک خود به طلبکاران و یا دیگر داوطلبان خرید ارضی نسقی کشاورزان شدند.

با این وصف، بار دیگر هسته‌های تشکیل مالکیتهای بزرگ در روستاها شروع به رشد و نمو کرد. با وجودی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل هیئتهای هفت نفره تقسیم اراضی بین روستاییان کم‌زمین و بی زمین قدری از رشد این هسته‌های نوظهور مالکیتهای بزرگ کاسته شد و تداوم آن تا حدودی به تعویق افتاد، اما هم اکنون هم می‌توان شاهد ادامه این گونه واگذاریها و تجمیع اراضی در دست بزرگ مالکان نوظهور روستایی و غیر روستایی بود.

حمایت مالی اعضای تشکلهای مانند: بنه‌ها، حراثة‌ها و نسقها از همدیگر و همیارهای فنی و حتی کمک نیروی انسانی به کشاورزان تنگ دست برای کشت و کار سالانه، از جمله رویه‌های حسنه‌ای بوده است که همواره مورد تمرین تشکلهای بومی بوده است که به این وسیله، مانع از واماندگی کشاورزان تنگدست و گسیختگی زندگی ایشان در روستاها می‌شده است. در حالی که امروزه این تشکلهای تدریج محو شده می‌شوند و هیچ نهاد فعال و موثر مردمی و یا غیرمردمی دیگر نیز جایگزین آنها نگردیده‌اند.

افزون بر اینها، امروزه اجرای برنامه‌های یکپارچه سازی اراضی و نیز واگذاریهای

مبادرت به تشکیل شرکتهایی شد که از حیث تجربیات بومی، با هیچ یک از نهادهای سنتی موجود در هر جامعه محلی تطابق و تشابه نداشت.

شرکتهای تعاونی روستایی بر مبنای الگوی وارداتی «خود، به علت همین عدم هماهنگی و حتی تضاد و تقابل با موازین بومی، از همان ابتدای امر موجب بروز اختلافاتی بین اعضای شرکتهای از یک سو و مدیران و گردانندگان دولتی تعاونیها با اعضا آنها از سوی دیگر شد. همین امر در طول زمان، بستر لازم را برای دولتی شدن تدریجی آنها فراهم آورد. از این رو، شرکتهای تعاونی روستایی نه تنها جانشین مالک برای مدیریت روستاها نگردیدند و نه تنها جایگزین تشکلهای بومی اداره امور فنی و عمومی روستایی نشدند، بلکه عملیات اجرایی آنها هم بر مبنای اصول و اهداف مذکور در یک اساسنامه تیب ارایه شده از سوی دستگاههای دولتی مربوط نیز هرگز تحقق پیدا نکرد و در نتیجه به صورت فروشگاههای دولتی درآمدند که امروزه هم بر همان مبنای به حیات ماهیتاً دولتی خود ادامه می‌دهند.

غلبه شرکتهای تعاونی روستایی دولتی گونه «بر تشکلهای بومی روستایی به ترتیبی که به اجمال ذکر شد، موجبات محو تدریجی آثار و تاثرات نهادهای سنتی در روستاها را فراهم آوردند تا آنجا که امروزه در خیلی از روستاها، خلا تشکلیاتی این نهادهای مردمی به وضوح قابل لمس است.

افزون بر اینها، اگرچه در جریان اصلاحات ارضی سال‌های چهل تقسیم اراضی و توزیع حقا به بر مبنای نظام سنتی نسق بندی جفت گاو، زمین «تحقق یافته و به همین مناسبت، حقا هم به عنوان یک راهکار مناسب و موثر، کارسازی و کارایی خود را در عمل به منصف ظهور و بروز رسانید. اما در جریان فعالیتهای بعدی دستگاههای دولتی برای تجمیع اراضی، کشت مشترک و حتی تجمیع روستاهای پراکنده، سوابق و تجربیات چند صد ساله تشکلهای روستایی به هیچ وجه مورد توجه سیاستگذاران و برنامه ریزان و مجریان برنامه‌های دولتی توسعه و عمران قرار نگرفته است و همین‌ها هم در مجموع و هر یک به نسبت سهم خود، مقدمات اضمحلال نهادهای مردم سالار در روستاها فراهم نمودند و نتیجتاً به جریان مهاجرتهای روستایی و تخلیه روستاها

## ج مسایل و مشکلات موجود در ارتباط با زمینه خدمات تولید

تشکلهای بومی در روستاها در حال فروپاشی هستند. در برخی از موارد، کلا فرو پاشیده شده‌اند. به‌دنبال همین فروپاشی‌ها، موضوع انتخاب و به کار گماردن میراب و آبهال و دشتیان و خرمن پا و آجویان «با مسایل متعددی از قبیل نحوه انتخاب و نظارت و سرپرستی این خدمه و پرداخت حقوق متعلقه به ایشان در روستاها مطرح است.

غیرمتعارف از اراضی عمومی حریم روستاها به دیگران و آن هم در غیاب نهادهای روستایی مردم سالار و همزمان پیدایش نیازهای نوین به اراضی بایر برای ایجاد تاسیسات عمومی مثل مدرسه، پارک، میدان ورزشی و غیره در روستاها، کار توسعه فیزیکی در روستاها را با تنگنانهایی جدی مواجه کرده است بازتاب همه آنها هم در مجموع، موجب تشدید مهاجرت‌های روستایی و به ویژه روگردانی نسل‌های جوان از ادامه زندگی در روستاهای زاد بوم خویش شده است.

وجود این مسایل، مشکلاتی را چون عدم لایروبی انهار و آبرسانی به مزارع و باغها و بیشه‌ها پدید آورده است. دستبها و خرمن پاها و چوپانها اغلب انگیزه خدمت به مردم روستا را از دست داده‌اند. آنانی هم که از روی اجبار به این امور اشتغال دارند، اغلب مترصد ترک خدمت و مهاجرت به شهرها می‌باشند. در اغلب موارد هیچ نهاد مردمی و یا تشکل مستقر و پایداری در روستا وجود ندارد که این قبیل خدمه روستا خود را چه از حیث اجرای وظایف محوله و چه از نظر تضمین دریافت حقوق متعلقه، متکی به آنها فرض نمایند. به این ترتیب، اینگونه خدمات زمینه ساز و پشتیبان تولید در اغلب روستاها با نابسامانیهای زیادی مواجه می‌باشند.

## د مسایل و مشکلات موجود در ارتباط با زمینه خدمات عمومی

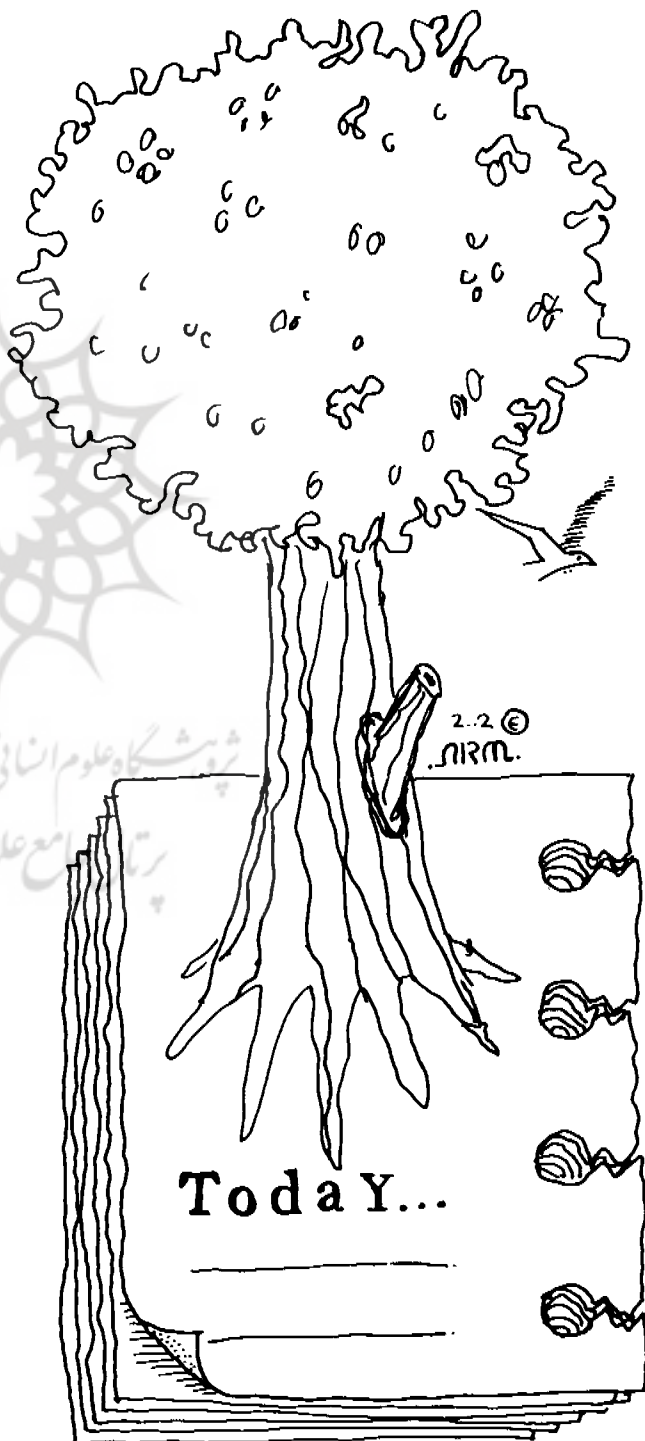
خدمات عمومی، در روستا، یعنی تسهیل زندگی عامه مردم در روستا، تصور تعطیل شهرداری یک شهر و قطع خدمات عمومی برای مردم شهر نشین، شاید بتواند تا حدودی منعکس کننده مسایل و مشکلات موجود در روستا یا روستاهایی باشد که به لحاظ غیبت تشکلهای بومی و محلی، دچار نابسامانیهایی در زندگی اجتماعی خود شده‌اند.

عدم بایبندی مردم به وظایف و مسئولیتهای محوله در قبال خدمه روستا، نبود یک تشکل مورد قبول عامه برای جمع آوری هزینه‌ها و نظارت بر حسن اجرای وظایف محوله به خدمه روستا و نیز بی قیدی عده‌ای از روستا نشینان به رعایت اصول و موازین زندگی جمعی و مسایل دیگری از این قبیل، در مجموع مشکلاتی را پیش می‌آورند که مالا زندگی در روستا را برای همه به ویژه برای جوانان روستایی غیر قابل تحمل می‌نماید که این امر خواسته یا ناخواسته تداوم و تشدید مهاجرت‌ها را در پی داشته و دارد.

با این وضع، برخی از مسایل و مشکلات امروزی روستاها به علت ضعف و یا غیبت تشکلهای بومی، و یا به عبارتی در غیاب سازمانهای غیر دولتی در روستاها به اجمال بر شمرده شدند. اینک بر مبنای نقشها و کارکردها و آثار و تاثرات وجودی این تشکلهای و نیز با توجه به مسایل و مشکلات مبتلا به آنها خلاصه نتایج زیر بر شمرده می‌شوند تا مبنایی برای ارایه پیشنهادهای بعدی باشند.

### نتایج

- ۱ تشکلهای بومی در روستاها اصالتا تبلور نظام مردم سالاری در جوامع روستایی می‌باشند.
- ۲ تشکلهای بومی روستایی از جهات فلسفه وجودی، اصول و اهداف و راهکارهای مورد عمل، زمینه ساز مدیریت پایدار در روستاها می‌باشند.



۳ تشکلهای بومی در روستاها در حکم نهادهای ماهیتاً منتخب طبیعی مردم همواره می‌توانند به‌عنوان سازمانهای مردمی مسئول، حافظ منافع عامه روستائیان تلقی شوند.

۴. وضع هر قانون و مقرراتی درباره و یا در ارتباط با روستاها و در عین حال، فارغ و یا بدون عطف توجه جدی به تشکلهای بومی موجود در روستاها، هرگز نمی‌تواند از کارسازی و کارایی لازم و کافی برخوردار و به‌طور پایدار اجرا شود.

۵. هرگاه تشکیل نهادهایی چون شرکتهای

۸- مرجعیت خبرگان، نخبگان و رهبران محلی روستایی عملاً و براساس سالها تجربه تلخ و شیرین زندگی روستایی در قالب تشکلهای بومی برای اعضای هر یک از جوامع روستایی به اثبات رسیده است. بنابراین، بر قانونگذاران، سیاستگذاران و کارگزاران و مجریان اساسنامه‌ها و آیین‌نامه‌های مربوط به امور توسعه و عمران روستایی فرض است که به هنگام گزینش اعضای شوراهای، انجمنها، تعاونیها و هرگونه تشکل قانونی دیگر به مثابه جوامع پرجمعیت و ناشناس شهری عمل نکنند و ناشیانه، صرفاً به روش اصطلاح دموکراتیک وارداتی به انتخاب صرف روی نیابورند و با دامن زدن به آتش تبلیغات کاندیداتوری و جمع‌آوری آرا (به هر طریق ممکن)، موجب نشوند تا مراجع آگاه و مورد وثوق مردم در هر یک از جوامع کوچک روستایی، عطای خدمت «را به لقای» آن ببخشند و از حضور و مشارکت در این تشکلهای عقب‌نشینی و یا به قول خودشان حفظ آبرو نمایند. بنابراین پیشنهاد می‌شود که قانونگذاران و سیاستگذاران باتکیه بر شیوه‌های متداول و متعارف در هر جامعه، تدابیر متناسب دیگری را برگزینند.

### عدم پایداری مردم به وظایف و مسئولیتهای محوله در قبال خدمه روستا، نبود یک تشکل موردقبول عامه برای جمع‌آوری هزینه‌ها و نظارت بر حسن اجرای وظایف محوله به خدمه روستا و لایزیمی قیدی عده‌ای از روستائیان به رعایت اصول و موازین زندگی جمعی و مسایل دیگری از این قبیل، در مجموع مشکلاتی را پیش می‌آورد که مآل زندگی در روستا را برای همه به ویژه برای جوانان روستایی غیرقابل تحمل می‌نماید که این امر خواسته یا ناخواسته تداوم و تشدید مهاجرتها را در پی داشته و دارد.

تعاونی، شوراهای روستایی، کمیته‌های عمرانی و غیره از این قبیل و به تبع آنها، انتخاب اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل برای هر یک از این نهادها در قالب و یا باتأیید تشکلهای بومی انجام گیرد، از کارسازی و کارایی و لذا پایداری به مراتب بیشتری برخوردار خواهند بود.

۶- اصل‌ترین نمونه سازمانهای غیردولتی مطرح در فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی بر مبنای انگیزه‌های داوطلبانه و همکاریهای جمعی را می‌توان در بین تشکلهای بومی در مناطق روستایی ایران جستجو کرد.

### منابع

۱. الفتی، هادی. تاریخ کشاورزی و دامپروری در ایران. جلد اول، موسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ و صحافی چاپخانه سپهر تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴، تهران.
۲. شهبازی، اسماعیل. توسعه کشاورزی و مسئله کوچکی، پراکندگی و دوری قطعات اراضی مورد کشت و کار هر خانوار کشاورزی، مجموعه مقالات اولین کنگره ملی بررسی مسایل توسعه کشاورزی ایران (ششم لغایت نهم اسفند ماه ۱۳۶۷)، انتشارات سازمان تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی، تهیه و تنظیم دفتر امور تحقیقات اقتصادی کشاورزی، تهران، ۱۳۶۸.
۳. صفی‌نژاد، جواد. «بنه» (نظامهای زراعی سنتی در ایران)، موسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ و صحافی چاپخانه سپهر، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۸.
۴. طالب، مهدی. مدیریت روستایی در ایران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، شهریور ماه ۱۳۷۱، تهران.
۵. عجمی، اسماعیل. «شنشاندگی»، پژوهشی در زمینه جامعه‌شناسی روستایی. انتشارات دانشگاه شیراز، چاپ و صحافی چاپخانه شرکت سهامی افست، چاپ دوم، تیر ماه ۱۳۵۰، شیراز.
۶. فرهادی، مرتضی. فرهنگ یاریگری در ایران. جلد اول: یاریگری سنتی در آبیاری و کشتکاری، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، چاپ و صحافی مرکز چاپ انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۳، تهران.

نقشه‌ها و کارکردهای تشکلهای بومی در مناطق روستایی پایه‌گذاری نمایند تا بدین ترتیب، روح مردم سالاری در مصوبات آنان متجلی و حاکم شود.

۵- برگزارکنندگان و دستگاههای همکار در برپایی سمپوزیومهای علمی، مجذانه و به‌طور پیگیر بکوشند تا تعریفی جامع و مانع از تشکلهای بومی در جوامع روستایی ایران به پژوهندگان، طراحان، برنامه‌ریزان و مجریان برنامه‌های عمران روستایی کشور ارایه نمایند. تا بر آن اساس، عرصه لازم برای مقایسه و بررسی این نهادهای بومی با مقوله‌ی سازمانهای غیردولتی که اصطلاح غربی آن (NGOs) دیرزمانی نیست که به ادبیات توسعه و عمران اجتماعی ایران معرفی شده است، فراهم شود.

۶- احیا، اصلاح و تقویت تشکلهای بومی عملاً به مفهوم گسترش مردم سالاری، واگذاری کار مردم به مردم، تخفیف هزینه‌ها و مسئولیتهای دولت در قبال مدیریت روستاها و لذا جلب و جذب مشارکتهای مردمی می‌باشد. بر این مبنای، از این طریق است که می‌توان نظام مدیریت سنتی فروپاشیده در مناطق روستایی را بار دیگر زنده کرد و به روز نمود و عنان آن را به دست خبرگان و رهبران محلی، اعم از مرد و زن، پیر و جوان روستایی سپرد و آنان را برانگیخت تا مسئول حسن اداره امور داخلی خود در روستاها گردند.

۷- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و نیز واحدهای برنامه‌ریزی، دستگاههای اجرایی، در سطوح میدانی بکوشند تا تشکلهای بومی در زمینه‌های مرتبط به طراحی برنامه‌های توسعه و عمران روستایی را به‌عنوان مشاوران میدانی خود فرض کنند و از نظرات آنان برای هرچه بیشتر مردمی کردن ماهیت برنامه‌های توسعه و عمران بهره‌مند شوند.

### پیشنهادها

- ۱- توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور از دانشگاهها، پژوهشگاهها و دیگر موسسات پژوهشی در زمینه‌های فنی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی حمایتهای مالی و اعتباری کافی به عمل آید تا طرحهای تحقیقات توسعه‌ای «پیرامون تشکلهای و دانشهای بومی در مناطق روستایی ایران» راتهی و به مرحله اجرا گذارند.
- ۲- از واحدهای تحقیقاتی، مطالعاتی و بررسیهای وابسته به دستگاههای اجرایی موکداً خواسته شود تا نسبت به تهیه و اجرای طرحهای پژوهشهای کاربردی «درباره تشکلهای و دانشهای بومی در مناطق روستایی ایران» اقدام و نتایج حاصل از آن را راهنمای برنامه‌های اجرایی خود قرار دهند.
- ۳- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به هنگام طراحی برنامه‌های جامع توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پنجساله در بخشهای کشاورزی و روستایی، نتایج حاصل از پژوهشهای پایه‌ای، توسعه‌ای و کاربردی در زمینه‌های مربوط به تشکلهای بومی را مبنای برنامه‌ریزیهای خود در طرحهای مربوط به